

متن پرسش

بسمه تعالی؛ سلام علیکم و رحمت الله؛ ۱. چه خوش است حال مرغی که قفس ندیده باشد چه نکوتر آنکه مرغی ز قفس پریده باشد. افتان و خیزان و به خود پیچیده در کشاکش و انفسا که هرچه کردیم هیچ ندیدیم، جمعه نصر، نصرت محبوب را رسانید. ما که جامانده از حضور در میان عشاق بودیم اما دل سوخته و در گداز و گذار بانگ «لا اله الا الله» شان... درست وقت ظهر همه چیز را رسیده دیدم؛ تمام نشدن ها که رو به رویم قد علم کرده بودند در هم شکسته یافتیم، جوانه ی امید همچو درخت تناوری از دل خاک بیرون گشت که مرا به کن فیکون فرا می خواند. اما وای من و وای من و وای من؛ باز و باز و باز قفس را به روی ما بستند؛ هرچه از ظهر می گذشت همه چیز رنگ می باخت؛ دوباره و چند باره در این روزهای گذشته چشم به در دوختم، نیامد خبری! ۲. در مباحث شرح کتاب مبانی نظری و عملی حب اهل البیت علیهم السلام، دو نکته خوب برایم روشن نگشت؛ اول؛ توجه و نگاه خوبی برایم از خود محبت و جایگاه آن و نسبت وجودی روشن نگشت. دوم؛ موضوع تعین؛ تعین چه جایگاهی دارد؟ چرا محبت فی الله جز با تعین اسماء محقق نمی شود؟ آنقدری که توجه کرده ام، تعین اهمیت خاصی دارد هم در خوبی ها و هم در بدی ها؛ لطفا رجوعاتی بدهید تا این دو نکته خوب برایم جا بیافتند. با تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بالاخره متعلق محبت که نمی شود ذهنی باشد، آینه می خواهد. در بحث اخیر «راز طلوع بشر جدید و نسبت آن با اصالت وجود در حکمت متعالیه»
<https://eitaa.com/matalebevijeh/17768> در نکته ۲۱ عرایضی در این مورد پیش آمد. موفق

باشید